

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلی الله علی محمد وآله

تدبر حسینی (ع)

شرح زیارت عاشورا (۸)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ

از کار عشق این گره بسته و نشد باب الحوائج همه حاجت روا نشد
بستند راههای حرم را به روی او می خواست تا حرم ببرد آب را نشد

از لسان مبارک امام هادی (علیه السلام) درباره جایگاه ائمه معصومین (علیهم السلام) اینگونه می خوانیم: «اللَّهُمَّ
إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفْعَائِي ... مَنْ أَتَاكُمْ
نَجَى ، وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ ... مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالِيَ اللَّهَ ، وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادِيَ اللَّهَ ، ... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ
يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ ... مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ ...» (زیارت جامعه) »
اگر شفیعیان اقرب از محمد (ص) و اهل بیت (ع) او بود آنها را انتخاب می کردیم (می کردم) . هر کس نزد شما
آمد، نجات خواهد یافت و کسی که از شما فاصله گرفت هلاک می شود... هر کس شما را دوست بدارد خدا را
دوست داشته و هر کس با شما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است... به شما خداوند آغاز می کند و به شما
پایان می دهد و به وسیله شما باران می فرستد و به وسیله شما آسمان را نگه می دارد... هر که خدا را خواهد باید
از طریق شما آغاز کند و به خدا تقرّب جوید...

موضوع تدبر: حکمت اعطای نقش شفاعت به پیامبر (ص) و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام) چه بوده است
؟ یعنی بدون واسطه و شفاعت چه اشکالی پیش می آید؟

پاسخ اجمالی: عاصم بن حمید، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که: با آن حضرت در باب
آنچه سَنَان از دیدن خدا روایت می کنند، مذاکره نمودیم. حضرت فرمود که: « **الشَّمْسُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْأً
مِنْ نُورِ الْكَرْسِيِّ وَ الْكَرْسِيُّ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْأً مِنْ نُورِ الْعَرْشِ وَ الْعَرْشُ ...** » (الکافی جلد ۱ ش ۲۶۲)
«نور آفتاب یک جزو است از هفتاد جزو از نور کرسی، که روشنی کرسی هفتاد برابر آفتاب است، و نور
کرسی، یک جزو از هفتاد جزو نور عرش است، و نور عرش یک جزو از هفتاد جزو نور حجاب است، و نور
حجاب، جزوی است از هفتاد جزو از نور ستر» (و حجاب و ستر، هر دو به معنی پرده است و مراد به آنها، معنی
ظاهری آنها نیست، بلکه مقصود دو مقام، از مقامات تجلیات نور عظمت پروردگار است). بعد از آن حضرت
فرمود: «پس اگر از این گروه در باب دیدن خداوند، راست می گویند، چشم های خویش را از نور آفتاب پر
کنند، در حالی که ابری میان آنها و خورشید حایل نشده باشد» در اینکه حکمت اعطای این نقش به بزرگان و

اولیای دین چیست؟ باید گفته شود، در جایگاه معنوی آنان مانند واسطه هایی هستند که نور خورشید را تنزل می دهند؛ چنانچه نور خورشید بدون تنزل و بدون واسطه به زمین می رسد جنبه ای بر روی آن باقی نمی ماند بلکه زمین و آنچه در آن است همه می سوختند؛ توضیح اینکه همه موجودات عالم هستی، آیات و نشانه های حضرت حقّ اند. هر موجودی به اندازه وسعت وجودی اش، نشانگر اسما و صفات خداوند سبحان است. عالی ترین و تابناک ترین جلوه و ظهور حضرت حق، در آینه وجود انسان کامل (پیشوایان معصوم) محقق می گردد. انسان کامل آینه تمام نمای اسما و صفات حضرت حق و جلوه و مظهر جلال و جمال پروردگار است. توسّل به انسان کامل، در حقیقت توجه به جلال و جمال خدا و توسّل به چشمه فیض او است. حکمت دیگر (در کنار حکمت های فراوان دیگر) اینکه خداوند خواسته اولیای خود را که از جنس خود ما هستند به عنوان انسان هایی کامل، کانون توجه و اقبال مردم قرار دهد. توجه به آنان و برقراری ارتباط عاطفی و معنوی با آنان، و تأکید بر حقانیت و اسوه بودن آنان موجب می شود مردم با مراجعه و الگوگیری از آنها به طریق هدایت و سعادت، دست یابند.

یارب بکریمی کریمانم بخش

برآب دو دیده یتیمانم بخش

صد بار بلطف و کرمیت بخشیدی

پاسخ تفصیلی: خداوند اموری را به عنوان اسباب و وسایل در جهت تقرب و نزدیکی به درگاه خویش قرار داده و ما را به توسّل به آن امور، فرمان داده است: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**» (مائده/ آیه ۳۵). «ای مؤمنان! پروای الهی داشته باشید و به سوی او وسیله تحصیل کنید». روایات نیز در این زمینه بسیار است؛ سلمان فارسی می گوید: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: خداوند می فرماید ای بندگان من آیا چنین است که کسی حاجات بزرگی از شما می خواهد و شما حوائج او را بر نمی آورید مگر اینکه کسی را نزد شما شفیع قرار دهد که محبوبترین مردم به نزد شماست، آنگاه حاجت او را به احترام آن شفیع بر می آورید حال آگاه باشید و بدانید که گرامی ترین خلق و افضل آنان نزد من محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است و برادر وی علی و امامان پس از وی همانان که وسیله های مردم به سوی من هستند، اینک بدانید که هر کس حاجتی دارد و نفعی را طالب است یا آنکه دچار حادثه ای بس صعب و زیانبار گشته و رفع آنرا خواهان است، باید مرا به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل طاهرینش بخواند تا به نیکوترین وجه آن را برآورم. (بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۲) همچنین در روایت نبوی - مستند نزد شیعه و اهل سنت - آمده است: «**كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٍ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ آلِ مُحَمَّدٍ**»؛ (کنز العمال، ح ۲۱۵۳؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۰) «هر دعایی محجوب است تا اینکه بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود». بنابراین صلوات و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت و توجه به آنان، یکی از مهم ترین وسایل تقرب به خدا و بهره گیری از فیوضات الهی است. امام موسی

کاظم (علیه السلام) می فرماید: هر گاه حاجتی به درگاه خداوند داشتی، چنین بگو: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ...**»؛ یعنی، خدایا! به حق محمد و علی تو را می خوانم، به درستی که نزد تو شأن و منزلت والایی دارند. پس به حق این منزلت و رتبه از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی و حاجت مرا بر آورده سازی. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴۲) انس بن مالک می گوید: روزی که فاطمه بنت اسد فوت کرد، پیامبر دستور داد قبری را حفر کنند. آن گاه خود حضرت وارد قبر شد و در آن خوابید و چنین دعا کرد: «**اللهم اغفر لآمتی فاطمه بنت اسد، و وسع علیها مدخلها، بحق نبیک و الانبیاء الذین من قبلی**» (کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۴۸، ح ۳۴۴۲۵) خدایا! مادرم فاطمه بنت اسد را بیمارز و جایگاه او را وسعت بخش، به حق پیامبرت و پیامبران قبل از من». امام حسین (علیه السلام) در دعای معروف عرفه؛ چنین با خداوند مناجات می کند: «**اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعِشِيَةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ...**»؛ «بار خدایا! ما در این شامگاه که به آن شرف و عظمت بخشیده ای، به وسیله محمد (صلی الله علیه و اله) پیامبرت و رسول و برگزیده ات، رو به درگاه تو می آوریم». (سیدبن طاووس، علی بن موسی، اقبال، ج ۲، ص ۸۵)

یا رب بحسین و حسن و آل عبا بی منت خلق یا علی اعلی	یا رب بمحمد و علی و زهرا کز لطف برآر حاجتم در دوسرا
---	---

با این مقدمه روشن است که چرا ما در زیارت عاشورا می خوانیم: «**يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَ بِالْبَرَاءَةِ (مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْخَرْبَ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْنَا)**» (یا اباعبدالله من تقرب می جویم به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و به حضرت تو به واسطه محبت و دوستی تو و بیزاری می جویم به سوی خدا و به سوی رسولش و بیزاری از کسانی که اساس و پایه ظلم و بیداد را بر شما بنا نهادند) همان گونه که در تبیین شفاعت گذشت، شفاعت از سوی خداوند آغاز می شود. شفاعت، فیض مغفرت الهی است که مانند تمام فیوضات از جانب خدا اعطا می شود و شفیعان اسباب و واسطه و مجاری این فیض هستند. فیاض و اعطا کننده این رحمت، خداوند است. به همین جهت در آیات و روایات، شرط اصلی و اساسی شفاعت، این است که مورد رضایت و پسند خداوند باشد. شفیعان کسانی هستند که خداوند آنان را برای این امر پسندیده و به آنان اجازه شفاعت داده است؛ «**يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا**» (طه / ۱۰۹). «در آن روز شفاعت سودی ندارد؛ مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه دهد و سخن او را

پسندد»

طلب شفاعت از غیر معصوم

درباره طلب شفاعت از غیر معصوم از فرزندان و نوادگان آنها هم روایات فراوانی وارد شده از جمله درباره
توسل و عرض نیاز به مقام حضرت ابوالفضل امام جعفر صادق (ص) در هر گرفتاری توسل به صاحب لوای سید
الشهدا (ع) حضرت عباس (ع) را با این ذکر توصیه کرده اند: **یا کاشف الكرب عن وجه الحسین (ع) اکشف**
کربی بحق اخیک الحسین؛ که باید به عدد اسم شریف آن جناب یعنی ۱۳۳ بار خوانده شود.

سوگند به عاشورا عباس نمی میرد غیرت شد از او احیا عباس نمی میرد
تا دور جهان باقیست ما تشنه و او ساقیست دارد لقب سقا عباس نمی میرد

همچنین در کتاب «مسجد جمکران میعادگاه دیدار» مطلبی به نقل از آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نقل
شده است که فرموده اند: یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بود، برای من چنین نقل کرد که: من
مشکلی داشتم به مسجد جمکران رفتم و درد دل خود را به محضر حضرت بقیه الله حجه ابن الحسن العسکری
امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) عرضه داشتم و از وی خواستم که نزد خدا شفاعت کند تا مشکلم حل شود.
برای این منظور، مکرر به مسجد جمکران رفتم ولی نتیجه ای ندیدم. روزی هنگام نماز دلم شکست و عرض
کردم: مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما و منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام زمان من
می باشید آیا زشت نیست با وجود امام حقی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم (علیه السلام) متوسل شوم و او را نزد
خدا شفیع قرار دهم؟! از شدت تأثر بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم. ناگهان با چهره نورانی قطب عالم
امکان حضرت حجه ابن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه) مواجه شدم. بدون تأمل به حضرتش سلام
عرض کردم، حضرت (عج) با محبت و بزرگواری جوابم را دادند و فرمودند: «نه تنها زشت نیست و نه تنها
ناراحت نمی شوم که به علمدار کربلا متوسل شوی، بلکه شما را راهنمایی هم می کنم که به حضرتش چه
بگویید. چون خواستی از حضرت ابوالفضل (علیه السلام) حاجت بخواهی، این چنین بگو: **یا ابالفوئ ادرکنی؛**
ای آقا پناهم بده». «مسجد جمکران میعادگاه دیدار»

روز نهم محرم روز ذکر شهادت قمر بنی هاشم (علیه السلام) است، آن والا مقام که امیرالمؤمنین (علیه السلام)
«**ذخرا الحسین**» اش نامید برای کربلای اباعبدالله (علیه السلام)؛ همان کسی که حضرت صاحب الزمان (عجل الله
تعالی فرجه) در مورد ایشان فرمود: چون خواستی از حضرتش حاجت بخواهی، این چنین بگو: **یا ابالفوئ**
ادرکنی... به یاد هنگامی که دست راستش قطع شد:

و الله ان قطعتم یمینی
انی احامی ابدأ عن دینی
و عن امام صادق الیقین
نجل النبی الطاهر الامین

(به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید من پیوسته از دین خود و از امامی که به راستی به یقین رسیده و
فرزند پیامبر(صلی الله علیه واله) پاک و امین است حمایت می کنم.)
وقتی به ضربتی دیگر دست چپ قطع شد و عباس(علیه السلام) می خواند:

یا نفس لا تخشی من الکفار
و ابشری برحمۃ الجبار
مع النبی السید المختار
قد قطعوا ببغیهم یساری
فأصلیهم یا ربَّ حرَّ النارِ

ای نفس از کافران مهراس و به رحمت ایزد بزرگ و همنشینی با پیامبر اکرم(صلی الله علیه واله) بشارت باد اینان
به ستم دست چپم را بریدند پروردگارا ایشان را به آتش سوزان دوزخ در افکن.

به یاد وقتی که عمودی آهنین بر سر مبارکش فرود آمد و روح با عظمتش را به پرواز در آورد.» امام به بالین
برادر حاضر شد و پس از شهادت او، شکسته و اندوهگین فرمود "الان انکسر ظهري و قلت حیلتی"...

آب شرمنده ایثار علمدار تو شد	که چرا تشنه از او این همه بی باک گذشت
بود لب تشنه لبهای تو صد رود فرات	رود بی تاب کنار تو عطشناک گذشت
بر تو بستند اگر آب سواران عرب	دشت دریا شد و آب از سر افلاک گذشت
با حدیثی که ملائک ز ازل آوردند	سخن از قصه عشق تو ز لولاک گذشت

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة